

بررسی میزان احساس امنیت زنان و عوامل مؤثر در آن (مطالعه‌ی موردی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش اداره‌ی کل بهزیستی شهرستان رامهرمز)

جعفر کردزنگنه*، هاشم محمدیان پستکان**، شهلا سهرابی صمیره***

چکیده

پیش‌نیاز هرگونه توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی احساس امنیت است. آگاهی از احساس امنیت ساکنان یک جامعه نقش مؤثری در شناخت چالش‌ها و ارائه‌ی راهبردهای توسعه‌ای در آن جامعه دارد. یکی از مهم‌ترین مواردی که توسعه‌یافتگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، امکان دسترسی زنان مانند مردان به احساس امنیت است. این امر برای زنان سرپرست خانوار در جامعه محسوس‌تر است. پژوهش حاضر، با هدف بررسی رابطه‌ی عوامل اقتصادی-اجتماعی با احساس امنیت (در هشت بعد امنیت جانی، مالی، فرهنگی، حقوقی، نوامیس، اخلاقی، احساسی و عاطفی) در میان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش اداره‌ی کل بهزیستی شهرستان رامهرمز به انجام رسید. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی زنان تحت پوشش اداره‌ی کل بهزیستی شهرستان رامهرمز بودند که با فرمول کوکران ۲۲۴ زن سرپرست خانوار به عنوان حجم نمونه و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش بین میزان تحصیلات، نگرش به پوشش، میزان درآمد، حمایت اجتماعی، علت سرپرستی و احساس امنیت رابطه نشان می‌دهد. سه متغیر میزان تحصیلات، درآمد و حمایت اجتماعی ۱۴٪ واریانس متغیر وابسته احساس امنیت زنان را تبیین نمودند. با پذیرش نقش این سه متغیر در توانمندی زنان سرپرست خانوار، به دست می‌آید که توانمندسازی زنان، سبب بالارفتن اعتماد به نفس، کسب یک هویت مستقل، بهبود وضعیت اجتماعی آنها و در نهایت احساس امنیت بیشتر در ایشان می‌شود که کل جامعه از آن منتفع خواهد شد.

واژگان کلیدی

احساس امنیت، زنان سرپرست خانوار، حمایت اجتماعی، توانمندی زنان.

۱- مقدمه و بیان مسئله

حیات انسان از بدو تولد با محافظت و مراقبت تضمین و تأمین می‌شود، چرا که بیماری‌ها، آسیب‌ها و خطرات محدود به دوران خاصی از زندگی نیستند و در تمام مراحل زندگی وجود دارند، به همین دلیل نیاز به شرایطی بدون خطر و امن، یک نیاز دائمی است و پایانی برای آن نمی‌توان تصور کرد. چنان‌که سلسله نیازهای مزلو نیز حکایت همین مدعاست. مزلو نیاز به ایمنی را پس از نیازهای فیزیویژیک قرار داده است. ضرورت نیاز به ایمنی به حدی است که آن را قبل از نیاز به روابط اجتماعی مطرح کرده است (سید میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۱).

زنان به ویژه زنان سرپرست خانوار از مهم‌ترین گروه‌های هستند که به علت موقعیت شکننده و آسیب‌پذیرشان در ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع، به خصوص کشورهای در حال توسعه در کانون توجه محققان و برنامه‌ریزان در حوزه‌ی امنیت‌پژوهی و احساس امنیت قرار گرفته‌اند. در فهم مسائل اجتماعی زنان و مهم‌تر از آن در تدوین سیاست‌های اجتماعی مرتبط با آن باید توجه داشت که زنان جمعیتی همگن و واحد نیستند و در میان آنها گروه‌های کوچک و متکثر مانند زنان سرپرست خانوار وجود دارند که این گروه‌ها ضمن برخی هم‌پوشانی‌ها و داشتن مسائل اجتماعی مشترک با معضلات خاص و متمایز نیز مواجه‌اند؛ لذا در تحقیقات اجتماعی باید موقعیت زنان درباره‌ی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، مکانی، امنیتی و ... مطالعه شود. مهم‌ترین نیاز امروز زنان برای گسترش فعالیت‌های اجتماعی آنها ایجاد امنیت است و هر چه حضور زنان در عرصه‌های مختلف جدی‌تر و پررنگ‌تر باشد، امنیت آنها بیشتر خواهد شد.

زنان سرپرست خانوار به عنوان پایه و اساس نهاد خانواده در سراسر جهان به هنگام از دست دادن همسرانشان، یا بیماری و یا بیکاری آنها، سرپرستی و اداره‌ی خانواده را برعهده می‌گیرند. در ایران نیز افزایش تعداد خانوارهای زن سرپرست خانوار را شاید بتوان یکی از مسائل نوظهور اجتماعی جمعیتی دانست که از طرفی تحت تأثیر تغییرات اقتصادی - اجتماعی کلان بوده و از طرف دیگر تا حدودی توان تأثیرگذاری در روند توسعه‌ی کشور را نیز داراست. اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان دهنده‌ی آن است که بالغ بر ۱۲ درصد خانوارهای کشور را زنان سرپرستی می‌کنند. به عبارت دیگر از هر ۹ خانوار کشور یک خانوار را زنان اداره می‌کنند. این نسبت در فاصله‌ی دو سرشماری آخر افزایش داشته است (در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ازای هر ۱۲ خانوار و ۱۱ خانوار کشور اداره‌ی یک خانوار بر عهده‌ی زنان بوده است). طبق آخرین آمار ۲۵۴۸۰۷۲ خانوار زن سرپرست در کشور وجود دارد که ۱۸۰ هزار خانواده‌ی آن تحت پوشش بهزیستی است. اولین علتی که زنان سرپرست خانواده تحت پوشش بهزیستی قرار می‌گیرند، با فراوانی ۶۷ هزار نفر مربوط به از کار افتادگی همسر، دومین علت با فراوانی ۶۳ هزار نفر مربوط

به فوت همسر است (۷۰ درصد زنان به علت فوت همسر، سرپرست خانواده می‌شوند)؛ و سومین علت با فراوانی ۳۵ هزار نفر مربوط به طلاق است؛ کارشناسان یکی از دلایل رشد سهم خانوارهای زن سرپرست خانوار را بالا رفتن نرخ طلاق در ایران می‌دانند (مسعودی فرید: ۱۳۹۴، ۱).

معمولاً خانوارهایی که به وسیله‌ی زنان سرپرستی می‌شوند، از نظر دستیابی به امکانات و خدمات محدودیت دارند. زنان سرپرست خانوار اغلب با عواملی مانند دسترسی نداشتن به فرصت‌های شغلی، کم‌سواد و نداشتن درآمد مستمر مواجه‌اند. این در حالی است که روزبه‌روز بر تعداد این زنان سرپرست خانوار افزوده می‌شود. آنچه امنیت زنان سرپرست خانوار را به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی مطرح می‌کند، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به وجود آمده و باعث می‌شود تا زنان سرپرست خانوار به عنوان قشری آسیب‌پذیر شناخته شوند و احساس امنیت نکنند. ناامنی برای آنها به مشکلات دیگری هم دامن زده و روابط اجتماعی‌شان را مخدوش می‌کند (معیدفر، ۱۳۸۶: ۱۵۵). بنابراین می‌توان گفت، فشار مسئله‌ی اقتصادی بر روی زنان سرپرست خانوار تنها مشکلی نیست که امنیت آنها را تهدید می‌کند.

لذا با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، پرداختن به مسائل خاص زنان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی و انسانی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه‌ی امروز است. از سوی دیگر، اهمیت مسئله‌ی امنیت در زندگی اجتماعی انسان‌ها به اندازه‌ای است که در صورت فقدان احساس امنیت، انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شک و تردید می‌شوند و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران پرهیز می‌کنند. در اثر تداوم چنین شرایطی، سرمایه‌ی اجتماعی رو به زوال می‌رود و در درازمدت پیامدهای منفی بسیاری بر جامعه‌ی انسانی می‌گذارد. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ از ۲۵۲۶۹ خانوار معمولی در رامهرمز سرپرستی ۲۴۵۷ خانوار معادل (۹/۷۲ درصد) بر عهده‌ی زنان بوده است. طبق آخرین آمار واحد امور اجتماعی زنان سرپرست خانوار اداره‌ی بهزیستی شهرستان رامهرمز در سال ۱۳۹۴ تعداد ۱۳۱۴ زن سرپرست خانوار تحت پوشش این اداره بودند که از این تعداد ۸۲۵ نفر به علت از کار افتادگی همسر، ۳۰۹ نفر به علت فوت همسر، ۸۷ نفر به علت طلاق و ۹۳ نفر دیگر به سایر علل (متارکه، خود سرپرستی، اعتیاد و...) سرپرستی خانوارها را بر عهده داشته‌اند (واحد امور اجتماعی زنان سرپرست خانوار، اداره بهزیستی رامهرمز). مطالعه‌ی حاضر به همین منظور و در پی شناسایی برخی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش اداره‌ی کل بهزیستی شهرستان رامهرمز انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که زنان سرپرست خانوار تا چه اندازه احساس امنیت می‌کنند؟ و مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در احساس امنیت آنها کدام‌اند؟

۲- پیشینه‌ی پژوهش

یحیی‌زاده و همکاران در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه برخی عوامل اقتصادی اجتماعی با امنیت زنان سرپرست خانوار شهرستان مریوان» که با روش پیمایش بر روی ۱۱۲ نفر از زنان سرپرست خانوار انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با امنیت اجتماعی رابطه‌ی مستقیم و بین احساس محرومیت نسبی و امنیت رابطه‌ی معکوسی وجود دارد. متغیرهای مستقل به کار گرفته شده در این پژوهش ۳۶٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمودند (یحیی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). یافته‌های پژوهش ساروخانی و همکاران نشان داد که محل سکونت در امنیت خانواده تأثیر معنی‌داری دارد (ساروخانی و همکاران، ۱۳۸۸). یافته‌های پژوهش بیات نشان داد که میزان احساس ناامنی از حیث جنسیت، منطقه‌ی محل سکونت، تأهل و سن پاسخ‌گویان متفاوت است (بیات، ۱۳۸۸). سیدمیرزایی و همکاران در تحقیق خود با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (فوت همسر و مطلقه) تحت پوشش سه سازمان حمایتی کمیته امداد امام(ره)، بهزیستی و بنیاد شهید» به این نتیجه رسیدند که حمایت خانواده، اعمال قانون و توانمندی زنان در امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر بسزایی دارد. همچنین، در یافته‌ها رابطه‌ی بین سازمان حمایتگر و امنیت اجتماعی تأیید شد (سید میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰).

معدیفر و همکاران در مقاله‌ی خود با عنوان «زنان سرپرست خانوار: نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی» به بیان مشکلات و مسائل زنان سرپرست خانوار از منظر خود این زنان پرداختند. اگر چه این مقاله مستقیم به موضوع امنیت زنان نپرداخته، اما نتایج مطالعه‌ی آنها نشان داد که هم مسئله‌ی اقتصادی و معیشتی-که زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه به عنوان مهم‌ترین مشکل پیش‌روی خود بدان اشاره کردند-و هم ناامنی جسمی‌شان باعث می‌شود که آنها در جامعه احساس امنیت نکنند و در نتیجه نتوانند تعادل را در زندگی خود و فرزندان و سایر اعضای خانواده‌شان حفظ کنند؛ لذا فرزندان آنها که در کنار مادر متحمل بسیاری فشارهای مختلف می‌شوند، به آسیب‌هایی مانند ترک تحصیل، بزه‌کاری و ... کشیده شده و نیز نمی‌توانند رابطه‌ی سالمی را با مادر خود داشته باشند. سمت دیگر آسیب‌های وارد شده به فرزندان، نگرانی‌های مادران آنهاست. این زنان بیش از سایر زنان نگران وضعیت تحصیل، ازدواج و آینده‌ی فرزندان خود هستند، نگرانی‌ای بجا که زنان سرپرست خانوار را به نحوی روزافزون می‌فرساید (معدیفر و همکاران، ۱۳۸۶).

احمدی و همکاران در تحقیق خود با عنوان «احساس امنیت اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: شهر سنندج» که بر روی ۲۵۰ نفر از زنان ۶۵-۱۸ ساله شهر سنندج انجام شده است، به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی معنی‌داری بین احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج

و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، پوشش مناسب، پای‌بندی مذهبی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی وجود ندارد، اما رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی بین احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و حمایت اجتماعی و محل سکونت وجود داشت. این دو متغیر حدود ۳۰٪ واریانس متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج را تبیین کردند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲).

جهانگیری و همکاران در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان؛ مورد مطالعه: زنان ۴۰-۱۵ ساله شهر شیراز» به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون وضعیت تأهل، رضایت از وضعیت ظاهری، حمایت خانواده، چگونگی برخورد دیگران، تعهد مذهبی و... از عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی در میان زنان هستند که در این میان حمایت خانواده بیشترین تأثیر را داشت (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۲).

استانکو در پژوهش خود در جامعه‌ی ایالات متحده نشان می‌دهد که ترس از وقوع جرم در زنان (ترس از مورد تجاوز قرار گرفتن) ۳ برابر مردان است (Stanko, 1992). بررسی‌های ویور در ایالات متحده نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی با احساس امنیت زنان در رابطه است و زنانی که در خانواده‌ی خود مورد توجه همسر و حتی فرزندان خود هستند، احساس آرامش و امنیت بیشتری دارند و با شادی و نشاط بیشتر کارهای روزمره‌ی خود را پیگیری می‌کنند (Weaver, 2010).

جکسون در بررسی خود با عنوان «امنیت اجتماعی و پای‌بندی به قواعد غیر رسمی» نتیجه می‌گیرد که تصورات از انسجام اجتماعی، اعتماد و کنترل اجتماعی غیر رسمی و تفسیرها از ارزش‌ها، هنجارها و اخلاق مردم تشکیل دهنده‌ی اجتماع، درست به همان اندازه‌ی تفاسیر مربوط به پنجره‌های شکسته و ناامنی در شکل دادن به تصور مخاطره نقش دارند، زیرا سبب نقض اعتمادی می‌شوند که انتظارات منفی را پنهان نگه می‌دارند و به احساس ناامنی می‌انجامد (Jackson, 2006). در مجموع باید گفت که در مطالعات مرور شده کمتر به بحث احساس امنیت در حوزه‌های اختصاصی‌تر مانند زنان سرپرست خانوار توجه شده است. این در صورتی است که مسئله‌ی زنان سرپرست خانوار، یکی از مسائل نوظهور اجتماعی جمعیتی در ایران است که به علت نداشتن حمایت مردان در خانواده، موقعیتشان به مراتب شکننده‌تر و آسیب‌پذیرتر از سایر اقشار زنان است؛ لذا باید با دقت بیشتری به مسائل زنان سرپرست خانوار از جمله، موضوع احساس امنیت در آنها پرداخت.

۳- مبانی و چارچوب نظری پژوهش

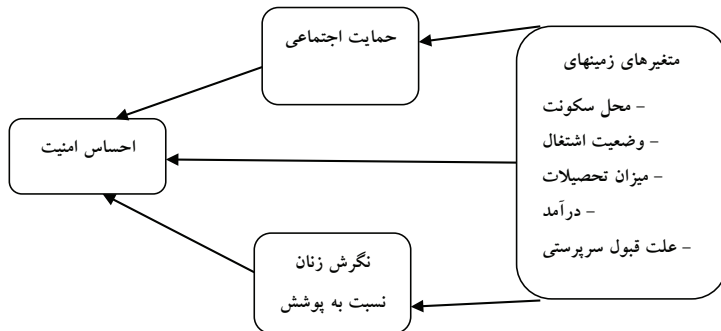
از منظر جامعه‌شناسی سطوح متعددی برای امنیت در نظر گرفته شده است که مهم‌ترین آنها امنیت در سطح خرد و کلان است. بر این اساس تعاریف مربوط به امنیت حداقل در سه دسته

تقسیم می‌شوند؛ دسته‌ی اول، تعاریفی هستند که بر تهدید هویت جمعی تأکید دارند. بوزان^۱ امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو گروه خاصی تلقی کرده‌اند. از دیدگاه وی امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی و... در حفظ هستی و هویت خود. در واقع، بوزان امنیت را حالت فراغت از هویت جمعی و گروهی تلقی می‌کند (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹). دسته‌ی دوم تعاریف، امنیت را به عنوان فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه می‌دانند. اگر امنیت اجتماعی شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنها باشد، می‌توان امنیت اجتماعی را رفع تهدید از عنصر اتصال دهنده‌ی اعضای جامعه به یکدیگر در نظر گرفت. این نوع تعریف از امنیت شامل امنیت حاصل از فضای اجتماعی است؛ این فضای اجتماعی سطح کلان یا دولت به معنای عام را در بر نمی‌گیرد. امنیت اجتماعی فقط به سطح امنیت فرد محدود نمی‌شود، بلکه بر مجموعه‌ای از افراد تأکید می‌کند که عنصر یا عناصری ویژه مانند جنسیت، قومیت، مذهب و... آنها را به هم مرتبط می‌کند و با تهدید ارزش‌های اتصال دهنده‌ی افراد، امنیت اجتماعی متزلزل می‌شود. دسته‌ی سوم از تعاریف، بر فراغت جمعی از تهدیدی که عمل غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد و یا گروهی که در تمام یا قسمتی از جامعه به وجود آورده است، تأکید می‌کند (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹). در این تحقیق، از میان دسته‌های مطرح شده، نظریه‌ی بوزان به همراه مکتب کوپنهایگ به کار گرفته می‌شود. اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب مردم، دولت‌ها، هراس به کار برد. امنیت اجتماعی تنها یکی از بخش‌های پنج‌گانه‌ی رویکرد پنج بعدی او به فرضیه‌ی امنیت است. دیگر بخش‌های این رویکرد عبارت‌اند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی. به‌طور کلی، امنیت نظامی به آثار متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه‌ی دولت‌ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی است که به آنها مشروعیت می‌بخشد. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح مقبولی از رفاه و قدرت دولت و امنیت اجتماعی یعنی قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی که با شرایط مقبولی از تحول مربوط است. امنیت زیست محیطی بر حفظ محیط جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است، ناظر است. این پنج بخش جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند. هر یک از آنها کانون مهمی در درون مسئله‌ی امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها داشته و از طریق ارتباط‌های قوی به یکدیگر متصل هستند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). از نظر بوزان، امنیت اجتماعی به حفظ ویژگی‌هایی اشاره می‌کند

که بر اساس آن افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد. نکته‌ای که بوزان با ظرافت به آن اشاره می‌کند، این است که ممکن است در جامعه‌ای امنیت وجود داشته باشد، اما به دلایلی فرد احساس امنیت نکند. وی می‌گوید که احساس ایمنی ذهنی یا اعتماد به دانستنی‌های فشرده، به هیچ روی به منزله‌ی وجود امنیت واقعی یا درستی دریافت‌های شخصی نیست؛ برای مثال، اگر فرد مرفه‌ی را در کشوری مرفه در نظر بگیریم، نمی‌توان چندان مطمئن بود که امنیت در مفهوم جامع آن برای وی تأمین شود، چرا که هر یک از افراد جامعه اعم از غنی و فقیر به طور نسبی در معرض تهدیدات مختلفی، از جمله تهدیدات طبیعی (مانند زلزله، قحطی، سیل)، تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (سرقت یا تخریب اموال، عدم اشتغال)، تهدیدات حقوقی (زندانی شدن، فقدان آزادی بیان)، تهدیدات موقعیتی (از دست دادن شغل، تنزل رتبه)، تهدیدات اجتماعی (نبود اعتماد، فقدان تعهد، از دست دادن آبرو و ارزش‌های اخلاقی)، تهدیدات فرهنگی (دسترسی نداشتن به دانش و معرفت و تضعیف الگوهای فکری - رفتاری) قرار می‌گیرند (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶). به طور کلی، از نظر بوزان آنچه سبب سامان یافتن گروه اجتماعی می‌شود، احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آنها کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضا از هستی خویش و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی خواهد بود. پس گروه اجتماعی کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه‌ها و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و از آن به عنوان «ما» یاد می‌کنند؛ برای مثال ما مسلمان‌ها، ما زنان و... حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه شود، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای تهدید امنیت اجتماعی قلمداد می‌شود (همان: ۴۳). در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که بوزان بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنوی ارگانیکی نهفته در این تئوری آغاز می‌کند و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. همان‌گونه که اشاره شد، از نظر بوزان امنیت اجتماعی به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر به جنبه‌هایی از زندگی فرد معطوف می‌شود که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد؛ لذا از این نظریه در حوزه‌ی هویت خواهی، متغیرهایی چون نگرش به حجاب و اعتماد بین فردی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند.

ال ویور از دیگر نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ در کتاب هویت خود رویکرد پنج بعدی بوزان از امنیت را نقد می‌کند. وی حوزه‌ی امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی

در نظر می‌گیرد. امنیت اجتماعی در نظریه‌ی ویور بخشی از امنیت دولتی به شمار می‌رود، اما به عنوان یک بخش مستقل هم (که بوزان از آن غفلت ورزیده) به آن ارجاع داده شده است. در حالی که امنیت ملی، درگیر و دل مشغول تهدیدات متعرض دولت است، امنیت اجتماعی نگران تهدیداتی است که به هویت جامعه تعرض می‌کنند. بنابراین، اگرچه دولت اکنون محمل و مرجع امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، اما اجتماع نیز در حد خود، مرجع امنیت اجتماعی به شمار می‌رود (روی، ۱۳۸۲: ۶۸۲-۶۸۳). با چنین نگرشی امنیت اجتماعی تنها با کاربرد آن برای بررسی گروه‌ها یا واحدهای جمعی - که به عنوان واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی شناخته شده اند- فهمیده می‌شود و مفهوم امنیت اجتماعی با هر شکل خاص اجتماع سیاسی مانند گروه‌های ملی، گروه‌های قومی یا اجتماعات مذهبی ارتباط پیدا می‌کند. از آنجا که همه‌ی جوامع یک تعداد از گروه‌های با هویت خاص خود را دارند (مثل زنان)، بنابراین، این گروه‌ها، واحدهای ابتدایی تحلیل امنیت اجتماعی به حساب می‌آیند (نبوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳). از مباحث نظری ال‌ویور نیز متغیر مهمی مانند حمایت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. طبق نظریه‌های مکتب کوپنهاگ، زنان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که هویت مخصوص به خود را دارند. عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ها، تعهد مذهبی و... می‌توانند در ایجاد احساس امنیت در آنها دخیل باشند؛ چنان‌که این عوامل می‌توانند در حقوق زنان، آزادی بیان و آزادی دینی تأثیرگذار باشند و به انواع تهدیداتی که بوزان به آن اشاره می‌کند، منتهی شوند (جهانگیری و مساوات، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۷). بنابراین با توجه به نظریه‌های مطرح شده می‌توان مدل نظری پژوهش حاضر و به تبع آن فرضیه‌ها را به صورت زیر تعریف کرد.



۴- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین نگرش زنان سرپرست خانوار نسبت به پوشش و احساس امنیت در آنها رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان حمایت اجتماعی درک شده توسط زنان سرپرست خانوار و احساس امنیت در آنها رابطه وجود دارد.

۳- بین علت سرپرستی زنان (مطلقه، بیوه، همسر از کار افتاده و...) و احساس امنیت اجتماعی در آنها رابطه وجود دارد.

۴- بین وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار و احساس امنیت در آنها رابطه وجود دارد.

۵- بین محل سکونت زنان سرپرست خانوار و احساس امنیت در آنها رابطه وجود دارد.

۶- بین میزان تحصیلات و احساس امنیت در زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد.

۷- بین درآمد و احساس امنیت در زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش اداره‌ی بهزیستی شهرستان رامهرمز بودند که طبق آخرین آمار سال ۹۴ تعداد آنها برابر با ۱۳۱۴ نفر بوده است و بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۲۲۴ نفر مشخص شد. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. ابزار استفاده شده در این پژوهش پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته بود که برای بررسی اعتبار محتوای آن پرسش‌نامه ساخته شده، به چند نفر از اساتید و متخصصان نشان داده شد و با استفاده از نظرات آنها اصلاح شد. پایایی متغیرهای اصلی پژوهش از طریق ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده که در جدول شماره‌ی ۱ آورده شده است.

جدول ۱: مقدار آلفای متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهای اصلی تحقیق	تعداد گویه	α
حمایت اجتماعی	۶	۰/۸۲۵
احساس امنیت جانی	۳	۰/۸۰۱
احساس امنیت مالی	۴	۰/۶۲۷
احساس امنیت عاطفی	۴	۰/۶۳۲
احساس امنیت احساسی	۴	۰/۶۲۳
احساس امنیت اخلاقی	۴	۰/۳۷۶
احساس امنیت فرهنگی	۴	۰/۵۳۱
احساس امنیت حقوقی	۴	۰/۴۸۰
احساس امنیت نوامیس	۴	۰/۷۵۱
نگرش زنان به پوشش	۶	۰/۸۱۱
اعتماد بین فردی	۳	۰/۶۴۲
شاخص کل احساس امنیت	۳۱	۰/۸۰۵

۶- تعریف مفاهیم

۶-۱- سرپرست خانوار

تاکنون برای واژه‌ی سرپرست خانوار نزدیک به ۸۰ تعریف متفاوت ارائه شده است. از نظر جامعه‌شناسان، واژه‌ی سرپرست خانوار یک اصطلاح توصیفی است و سرپرست خانوار به کسی اطلاق می‌شود که قدرت بسیاری بر سایر اعضای خانوار دارد. معمولاً مسن‌ترین فرد خانوار است و مسئولیت اقتصادی خانوار به عهده‌ی وی است (Megowan, 1990: 216).

۶-۲- احساس امنیت

در یک تعریف مناسب از احساس امنیت می‌توان گفت که احساس امنیت به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱). احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود (گروسی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۰).

برای سنجش میزان احساس امنیت در تحقیق حاضر، این مقوله در هشت بعد جداگانه و برای هر بعد ۴ گویه به غیر از بعد احساس امنیت جانی که با ۳ گویه سنجیده شده و در مجموع ۳۱ گویه در یک طیف شش درجه‌ای سنجیده شد. مطابق جدول شماره ۱، ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۰۵) همسانی درونی بالایی را بین گویه‌ی استفاده شده برای سنجش احساس امنیت اجتماعی نشان داد.

۶-۳- حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی مفهومی چند بعدی است که به اشکال و طرق مختلفی تعریف شده است؛ برای مثال، می‌توان آن را به عنوان یک منبع فراهم شده توسط دیگران، به عنوان امکاناتی برای مقابله با استرس یا یک مبادله‌ای از منابع تعریف کرد (ریاحی و دیگران، ۱۳۸۹ به نقل از شولتز و شوارتز، ۲۰۰۴).

برخی از پژوهشگران، حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان و دیگران مهم تعریف کرده‌اند (Sarafino, 1998). در مجموع، شاید بتوان گفت که حمایت اجتماعی یعنی این احساس که شخص مورد توجه دیگران است و دیگران برای او ارزش قائل‌اند و اینکه او به یک شبکه‌ی اجتماعی متعلق است (گاچل و دیگران، ۱۳۷۷). در این تحقیق، برای سنجش و اندازه‌گیری میزان حمایت اجتماعی از مقیاس ۶ گویه‌ای حمایت ادراک شده‌ی زیمت و همکاران (۱۹۹۸) استفاده شده است که همسانی درونی بالایی نیز دارد (مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس برابر ۰/۸۲۵ بود).

۶-۴- نگرش نسبت به پوشش زنان

این مقوله ارزش گذاری و داوری عمومی زنان درباره‌ی نحوه‌ی پوشش خودشان است. مقوله‌ی پوشش و استاندارد بدن به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر حیات انسانی، امری کاملاً مشهود و بی‌نیاز از تعدیل است. برای پوشش و لباس کارکردهایی در دو حوزه‌ی فردی و اجتماعی متصور است؛ اول، کارکردهای فردی همچون پاسخ‌گویی به نیازهای فطری «خود استتاری» و تأمین امنیت در برابر سرما و گرما. دوم، کارکردهای اجتماعی. از جمله کارکردهای اجتماعی «پوشش» و «لباس»، هویت‌بخشی آن است؛ چرا که نوع پوشش نشان دهنده‌ی سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای یک جامعه است (نوری، ۱۳۸۱: ۱۲). در تحقیق حاضر، برای سنجش نگرش زنان نسبت به پوشش از ۶ گویه استفاده شده که ضریب آلفای کورنباخ به دست آمده (۰/۸۱۱) نشان دهنده‌ی میزان بالای همسانی درونی این گویه در اندازه‌گیری مفهوم مورد نظر بود.

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان

داده‌های جدول شماره‌ی ۱ حاکی است که بیشترین درصد پاسخ‌گویان (۵۲/۳ درصد) به گروه سنی ۳۱-۴۰ سال و سپس گروه سنی ۵۰-۴۱ سال با ۲۴/۸ درصد تعلق داشتند. میانگین سنی نمونه‌ی بررسی شده ۳۸/۴ سال بوده است. لازم به ذکر است که کمترین میانگین سنی به زنان سرپرست خانوار به علت طلاق، ۳۵/۶ سال و سپس به زنان سرپرست خانوار به علت از کار افتادگی همسر ۳۸/۲۲ تعلق داشته و بیشترین میانگین سنی به زنان سرپرست خانوار به علت فوت همسر با ۴۱/۸ سال تعلق داشت. ۷۵/۲ درصد پاسخ‌گویان در شهر و ۲۴/۸ درصد در روستا زندگی می‌کردند. به علاوه، نتایج جدول حاکی است که ۸۹ درصد زنان بررسی شده، بیکار و فقط ۱۱ درصد شاغل بودند. ۳۱/۵ درصد زنان بررسی شده، به علت فوت همسر، ۲۷/۹ درصد به علت طلاق، ۱۹/۸ درصد به علت از کار افتادگی همسر و ۹/۶ درصد بنا بر سایر دلایل سرپرستی خانوارهای خود را بر عهده داشتند. میانگین درآمد زنان سرپرست خانوار بررسی شده، ۳۳۵۰۰۰ تومان بود و بیش از ۶۴ درصد از این زنان درآمد ماهیانه زیر ۵۰۰۰۰۰ تومان داشتند. از نظر مالکیت منزل مسکونی بیش از نیمی از زنان مستأجر بودند و در خانه‌ای رهنی و اجاره‌ای زندگی می‌کردند و فقط ۳۸ درصد از آنها اعلام کردند که در منزل شخصی خودشان زندگی می‌کنند. نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان داد که ۷/۷ درصد از زنان سرپرست خانوار بررسی شده بی‌سواد، ۲۴/۵ درصد با تحصیلات ابتدایی، ۳۵ درصد با تحصیلات راهنمایی، ۲۳/۱ درصد متوسطه و تنها ۹/۷ درصد با تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند.

جدول ۲. توزیع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان

متغیرهای جمعیت‌شناختی			متغیرهای جمعیت‌شناختی			
f	%		f	%		
۴۱	۱۸/۹	۰-۱۰۰۰۰۰	میزان درآمد (به هزار تومان)	۳۶	۱۶/۲	۲۰-۳۰
۴۰	۱۸/۱	۱۰۱۰۰۰-۲۰۰۰۰۰		۱۱۶	۵۲/۳	۳۱-۴۰
۳۳	۱۵	۲۰۱۰۰۰-۳۰۰۰۰۰		۵۵	۲۴/۸	۴۱-۵۰
۳۸	۱۷/۱	۳۰۱۰۰۰-۴۰۰۰۰۰		۱۵	۶/۸	۵۱ و بالاتر
۱۰	۴/۶	۴۰۱۰۰۰-۵۰۰۰۰۰		میانگین سنی ۳۸/۴		
۳۶	۱۶/۵	۵۰۱۰۰۰ و بالاتر		میانگین ۳۳۵۰۰۰		
شخصی			مالکیت منزل مسکونی	۱۶۷	۷۵/۲	شهر
۸۴	۳۸	رهن و اجاره		۵۵	۲۴/۸	روستا
۶	۳	سازمانی		۱۹۵	۸۷/۸	بیکار
۱۳	۶	منزل پدري		۲۷	۱۲/۲	شاغل
بدون فرزند			تعداد فرزندان	۶۲	۲۷/۹	طلاق
۲۱	۹/۵	۱ فرزند		۷۰	۳۱/۵	فوت
۳۹	۱۷/۶	۲ فرزند		۴۴	۱۹/۸	از کار افتادگی همسر
۶۴	۲۸/۸	۳ فرزند		۲۱	۹/۶	سایر علل
۵۰	۲۲/۵	۴ فرزند و بیشتر		علت سرپرستی		
۴۳	۱۹/۵					

۲-۷- سنجش متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهای اصلی مطالعه‌ی حاضر، میزان احساس امنیت و ابعاد هشت‌گانه‌ی آن (متغیر وابسته)، میزان حمایت اجتماعی، نگرش زنان نسبت به پوشش و اعتماد بین فردی است که در جدول شماره ۳ شاخص‌های مرکزی و پراکندگی آن آورده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، در بین شاخص‌های احساس امنیت، امنیت عاطفی و حقوقی به ترتیب با میانگین ۱۰/۹ و ۱۰/۶ بیشترین و شاخص‌های امنیت جانی، مالی و فرهنگی به ترتیب با میانگین ۲/۴، ۵/۶ و ۹/۳ کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است که میانگین کلی

احساس امنیت در نمونه‌ی بررسی شده ۶۷/۳ با دامنه‌ی تغییرات ۹۷ و انحراف معیار ۱۴/۷۱ نمره بوده است. کمترین نمره‌ی مشاهده شده سازه‌ی حمایت اجتماعی ۶ و بیشترین نمره ۲۹، میانگین ۱۷/۸، دامنه‌ی تغییرات ۲۳ با انحراف معیار ۵/۷۴ بوده است.

جدول ۳. شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی متغیرهای اصلی تحقیق

شاخص	تعداد گویه	min	max	Range	M	SD
امنیت جانی	۳	۰	۱۳	۱۳	۲/۴	۲/۹۵
امنیت مالی	۴	۰	۱۵	۱۵	۵/۶	۳/۳۴
امنیت عاطفی	۴	۰	۱۸	۱۸	۱۰/۹	۳/۱
امنیت احساسی	۴	۰	۱۸	۱۸	۹/۳	۳/۲
امنیت اخلاقی	۴	۰	۱۶	۱۶	۱۰/۶	۲/۹۵
امنیت فرهنگی	۴	۰	۱۷	۱۷	۹/۳	۳/۴۹
امنیت حقوقی	۴	۰	۱۶	۱۶	۱۰	۳
امنیت نوامیس	۴	۰	۲۰	۲۰	۸/۹	۴/۶
شاخص کلی احساس امنیت	۳۱	۴	۱۰۱	۹۷	۶۷/۳	۱۴/۷۱
حمایت اجتماعی	۶	۶	۲۹	۲۳	۱۷/۸	۵/۷۴
نگرش زنان نسبت به پوشش	۶	۱۱	۳۰	۱۹	۲۵/۵	۴/۶
اعتماد بین فردی	۳	۰	۱۲	۱۲	۸	۲/۴

۷-۳- آزمون رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و احساس امنیت

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون پیرسون، بین سواد، حمایت اجتماعی و احساس امنیت رابطه‌ی مثبت در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. همچنین بین نگرش زنان نسبت به پوشش و احساس امنیت رابطه‌ی مثبت در سطح ۰/۰۵ مشاهده شد. بر این اساس می‌توان گفت هر چه تحصیلات فرد بالاتر باشد، احساس امنیت بیشتری دارد. همچنین با توجه به رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی و احساس امنیت می‌توان گفت که هر چه شخص بیشتر مورد توجه دیگران باشد و دیگران برای او ارزش قائل شوند و اینکه شخص خود را به یک شبکه‌ی اجتماعی متعلق بداند، احساس امنیت بیشتری می‌کند. نتایج جدول شماره‌ی ۴ حاکی است که زنان سرپرست خانواری که نگرش مثبت‌تری نسبت به پوشش زنان داشته‌اند، احساس امنیت بیشتری نیز داشته‌اند. شاید دلیل این

رابطه‌ی مثبت (نگرش به پوشش و احساس امنیت) این باشد که در جامعه‌ی ما زن بدون مرد برای بسیاری مردان به عنوان یک فرصت جلوه می‌کند. این مسئله در ابعاد متفاوتی نظیر تقاضای ازدواج‌های نامطلوب و بدون شرایط مناسب نمود می‌یابد. بنابراین پوشش و حجاب می‌تواند به عنوان یک راهبرد قوی از طرف زنان و به ویژه زنان سرپرست خانوار نمود پیدا کند.

جدول ۴. آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و احساس امنیت

احساس امنیت		متغیرهای مستقل
p	r	
۰/۹۱۸	۰/۰۰۷	سن
۰/۰۰۲**	۰/۲۰۵	سواد
۰/۲۲۷	۰/۰۸۶	درآمد
۰/۰۰۰**	۰/۳۰۴	حمایت اجتماعی
۰/۰۳۸*	۰/۱۳۹	نگرش نسبت به پوشش
۰/۹۱۷	-۰/۰۰۸	مدت سرپرستی
۰/۲۶۱	۰/۰۷۷	تعداد فرزندان
۰/۰۸۳	۰/۱۱۸	اعتماد بین فردی

**معنی داری در سطح ۰/۰۱ *معنی داری در سطح ۰/۰۵

۷-۴- مقایسه‌ی تفاوت احساس امنیت در بین گروه‌های مختلف

برای شناخت تفاوت احساس امنیت (به عنوان متغیر وابسته) بر حسب وضعیت اشتغال زنان (بلی/ خیر) و محل سکونت (روستا/شهر) از آزمون t استفاده شده است. با توجه به میانگین‌های دو گروه و سطح معنی‌داری جدول شماره‌ی ۵، ملاحظه می‌شود که از لحاظ احساس امنیت بین شاغلین و بیکاران تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به طوری که، میانگین احساس امنیت شاغلین برابر ۷۲/۶۲ و بیکاران برابر ۶۶/۵۶ است. پس می‌توان گفت که شاغل بودن یکی از عوامل مؤثر در افزایش احساس امنیت به حساب می‌آید. اگر چه میانگین احساس امنیت در زنان سرپرست خانوار شهری ۱/۷ نمره بیشتر از زنان سرپرست خانوار روستایی است، اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبوده است.

جدول (۵): آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت بر حسب وضعیت اشتغال و محل سکونت

متغیرها	n	M	SD	t	Df	p
اشتغال	بلی	۲۷	۱۴/۳	۲/۰۲۱	۲۲۰	۰/۰۴۵
	خیر	۱۹۵	۶۶/۵۶			
محل زندگی	شهر	۱۶۷	۱۳	۰/۷۴۵	۲۲۰	۰/۴۵۷
	روستا	۵۵	۶۶	۱۹		

برای شناخت تفاوت احساس امنیت (به عنوان متغیر وابسته) بر حسب علت سرپرستی پاسخ‌گویان (به عنوان متغیر مستقل اسمی چهار وجهی) از تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده شده است. خلاصه‌ی یافته‌های آزمون در جدول شماره ۶ آورده شده است. مطابق با این جدول، از نظر احساس امنیت جانی، زنان سرپرست خانوار به علت از کار افتادگی همسر نسبت به سایر گروه‌ها کمترین میانگین را داشتند که این تفاوت با دو گروه زنان سرپرست به علت فوت همسر و سایر موارد (زندانی همسر، اعتیاد همسر، بد سرپرستی و...) از نظر آماری معنی‌دار بود. میانگین احساس امنیت جانی در زنان مطلقه، فوت همسر، از کار افتادگی همسر و سایر علل به ترتیب برابر با (۲/۱، ۲/۵۵، ۱/۱، ۳/۴) بوده است. از نظر امنیت مالی، بین زنان سرپرست خانوار در گروه‌های مختلف تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. از نظر امنیت عاطفی، میانگین زنان سرپرست خانوار به علت از کار افتادگی همسر نسبت به سایر زنان بالاتر بوده و این گروه با زنان سرپرست به علت فوت همسر و سایر علل از نظر آماری معنی‌دار بوده است، اما بین سایر زنان تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین از لحاظ امنیت احساسی، زنانی که به علت از کار افتادگی همسر سرپرست خانوار خود بودند نسبت به سایر زنان میانگین بالاتری داشتند، اگر چه این تفاوت فقط با زنانی که به علت فوت همسر، سرپرستی خانوار خود را به عهده گرفته بودند، معنی‌دار بود. میانگین بعد امنیت احساسی در زنان سرپرست خانوار به علت طلاق، فوت همسر، از کار افتادگی همسر و سایر موارد به ترتیب عبارت‌اند از: ۹/۳۸، ۹، ۱۰/۸ و ۹/۲. از نظر امنیت اخلاقی، بین زنان گروه‌های مختلف تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. از نظر امنیت فرهنگی، میانگین زنان سرپرست خانوار به علت زندانی همسر، اعتیاد همسر، بد سرپرستی و... از سایر زنان بالاتر بوده است و این تفاوت فقط با زنان سرپرست به علت از کار افتادگی همسر معنی‌دار بوده است. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد که زنان سرپرست خانوار به علت از کار افتادگی همسر نسبت به سایر زنان در احساس امنیت حقوقی میانگین بالاتری دارند و این تفاوت با زنان سرپرست به علت فوت همسر معنی‌دار بوده است. آخرین بعد بررسی شده، امنیت نوامیس بوده است که اگر چه در این بعد هم امنیت

زنان سرپرست خانوار به علت از کار افتادگی همسر از سایر زنان بالاتر بوده، اما تفاوت معنی‌داری با سایر گروه‌ها نداشته است. سایر ابعاد احساس امنیت اجتماعی (مالی، اخلاقی و نوامیس) که در بین زنان بررسی شده تفاوت معنی‌داری نداشتند در جدول گزارش نشدند.

جدول (۶): آزمون تفاوت میانگین ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی برحسب علت سرپرستی

p	F	SD	M	n	علت سرپرستی	احساس امنیت اجتماعی
۰/۰۰۴	۴/۵۵۲	۲/۵	۲/۱	۶۲	طلاق	احساس امنیت جانی
		۳/۱	۲/۵	۷۰	فوت همسر	
		۱/۸	۱/۱	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۲/۶	۳/۴	۲۱	سایر موارد (اعتیاد، بد سرپرستی، متواری بودن، زندانی همسر)	
۰/۰۰۸	۴/۰۴۲	۳/۱	۱۰/۸	۶۲	طلاق	احساس امنیت عاطفی
		۲/۶	۱۰/۸	۷۰	فوت همسر	
		۲/۲	۱۲/۳	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۳/۳	۱۰/۱	۲۱	سایر موارد (اعتیاد، بد سرپرستی، متواری بودن، زندانی همسر)	
۰/۰۲۱	۳/۳۳۶	۲/۹	۹/۴	۶۲	طلاق	احساس امنیت احساسی
		۲/۹	۹	۷۰	فوت همسر	
		۲/۷	۱۰/۸	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۳/۲	۹/۲	۲۱	سایر موارد (اعتیاد، بد سرپرستی، متواری بودن، زندانی همسر)	

p	F	SD	M	n	علت سرپرستی	احساس امنیت اجتماعی
۳/۴۲	۰/۰۱۸	۳/۵	۹/۶	۶۲	طلاق	احساس امنیت فرهنگی
		۳/۷	۹/۴	۷۰	فوت همسر	
		۲/۹	۸/۵	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۲/۷	۱۱/۴	۲۱	سایر موارد (اعتیاد، بد سرپرستی، متواری بودن، زندانی همسر)	
۰/۰۰۷	۴/۲	۳	۱۰/۱	۶۲	طلاق	احساس امنیت حقوقی
		۲/۸	۱۰	۷۰	فوت همسر	
		۱/۸	۱۱/۵	۴۴	از کار افتادگی همسر	
		۲	۱۱/۳۰	۲۱	سایر موارد (اعتیاد، بد سرپرستی، متواری بودن، زندانی همسر)	

۷-۵- پیش‌بین‌های احساس امنیت

به منظور بررسی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل در احساس امنیت، متغیرهای مستقل سن، تعداد سال‌های تحصیل، حمایت اجتماعی، وضعیت شغلی، مدت سرپرستی، تعداد فرزندان، نگرش زنان نسبت به پوشش، محل سکونت، میزان درآمد و اعتماد بین فردی با روش گام‌به‌گام به معادله‌ی رگرسیون خطی وارد شدند. جدول شماره ۷، ضرایب رگرسیونی و سایر اطلاعات برآمده از محاسبه‌ی رگرسیون چند متغیری را نشان می‌دهد. با توجه به ضریب F، از مجموع ۱۰ متغیر مستقل وارد شده در معادله، فقط سه متغیر سواد، درآمد و حمایت اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری را با متغیر وابسته نشان دادند. ضریب همبستگی چندگانه (۰/۴۳۴) نشان دهنده‌ی همبستگی به نسبت بالای بین متغیرهای موجود در معادله‌ی نهایی رگرسیون است.

ضریب تعیین تعدیل شده^۱ نشان می‌دهد که سه متغیر ذکر شده در مدل، حدود ۱۴ درصد از تغییرات احساس امنیت را تبیین می‌کنند. با توجه به بتاهای به دست آمده، متغیر حمایت اجتماعی و بعد از آن متغیر سواد و در نهایت متغیر میزان درآمد بیشترین رابطه را با احساس امنیت داشتند.

جدول (۷): نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری مربوط به تأثیر متغیرهای مستقل در احساس امنیت

متغیرها	B	β	t	p
مقدار ثابت	۴۴/۹۸۸	-	۳/۶۷۶	۰/۰۰۰
حمایت اجتماعی	۰/۷۹۹	۰/۳۰۳	۳/۲۶۶	۰/۰۰۱
سواد	۰/۹۷۴	۰/۲۵۱	۲/۸۷۸	۰/۰۰۴
درآمد	۹/۰۰۲	۰/۱۶۰	۲/۱۱۱	۰/۰۳۶
R	۰/۴۳۴			-
R ²	۰/۱۸۹			-
R ² Adj	۰/۱۳۸			-
F	۳/۷۲۳			۰/۰۰۰

با توجه به مقادیر B، معادله رگرسیون را می‌توان به شرح ذیل نوشت:

$$\text{(سواد) } ۰/۹۷۷ + \text{(حمایت اجتماعی) } ۰/۷۹۹ + \text{(مقدار ثابت) } ۴۴/۹۸۸ = \text{احساس امنیت} + e + \text{(درآمد) } ۹/۰۰۲$$

نتیجه‌گیری

۱۲۶

نتایج مطالعه‌ی حاضر حاکی است که اولین و بزرگ‌ترین مسئله‌ی این زنان، اقتصادی است، به طوری که میانگین درآمد ماهیانه آنها در مطالعه‌ی حاضر ۳۳۵۰۰۰ تومان بوده است و از نظر بیشتر پاسخ‌گویان مهم‌ترین عاملی که باعث احساس ناامنی در آنها بود عامل فقر مالی و بیکاری بیان شد. آنها از سطح درآمد بسیار پایین و نیز توان پرداخت هزینه‌های اندکی برخوردارند که معمولاً صرف نیازهای اولیه‌ی خود آنها و خانواده‌شان شده و در موارد زیادی نیز برای همان نیازها هم کفایت نمی‌کند. طبق نظریات مکتب کوپنهاگ، زنان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که هویت مخصوص به خود دارند. عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ها، تعهد مذهبی و... می‌توانند در ایجاد احساس امنیت در آنها دخیل باشند. معیدفر و حمیدی در تحقیق خود بیان کردند که قسمت بزرگی از دل‌نگرانی‌ها و دغدغه‌های زنان سرپرست خانوار به مسئله‌ی اقتصاد و مسائل پیرامونی آن مانند مسکن، بیکاری و... معطوف می‌شود. داده‌ها حاکی است که این زنان و خانواده‌هایشان بیشتر جزء اقشار حاشیه‌نشین محسوب شده و شرایط سختی را می‌گذرانند. همچنین نتایج مطالعه نشان می‌دهد که در زنان مطالعه شده، بعد از مسئله‌ی اقتصادی، از آنجا که مردی سرپرستی این زنان را بر عهده ندارد، تعرض به نواامیس و خشونت‌های شهری در رده‌های بعدی احساس ناامنی قرار دارد (معیدفر و حمیدی، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۱۱۵). نتایج آزمون‌های همبستگی نشان داد که بین متغیرهای میزان تحصیلات، نگرش زنان نسبت به پوشش و حمایت

اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد، به طوری که زنان با سطح تحصیلات بالاتر و نگرش مثبت‌تر نسبت به پوشش بیشتر احساس امنیت می‌کردند و همچنین نتایج نشان داد که با افزایش میزان حمایت اجتماعی، میزان احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد. حمایت اجتماعی یک تبادل فکری است که طی آن فردی به فرد دیگر کمک می‌کند و می‌تواند به عنوان یک منبع خارجی آثار ناشی از مشکلات فرد را کاهش داده و بالا رفتن احساس امنیت در افراد را افزایش دهد. از نظر بوزان آنچه سبب سامان یافتن گروه اجتماعی می‌شود، احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آنها کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضا از هستی خویش و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی خواهد بود. پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه‌ها و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و از آن به عنوان «ما» یاد می‌کنند؛ برای مثال ما مسلمان‌ها، ما زنان و... حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه شود، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای تهدید امنیت اجتماعی قلمداد می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت، چنانچه زنان و به ویژه زنان سرپرست خانوار منابع حمایتی خانواده و اجتماع را داشته باشند، مجبور نیستند به تنهایی بار تمام مشکلات را به دوش بکشند و توانایی بیشتری برای اداره‌ی زندگی و حتی ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های محله و شهر خود داشته و توانمندی‌های آنها را افزایش خواهد داد. این نتایج همسو با نتایج احمدی و دیگران، یاری و دیگران، سید میزایی و همکاران و جهانگیری و دیگران است.

فقدان شغل یا درآمد مکفی برای امرار معاش، خود زمینه‌ساز بروز مشکلات دیگری می‌شود و تأمین مخارج زندگی و هزینه‌های تحصیل و... فرزندان در کنار نگهداری و مراقبت از آنها (با توجه به آنکه مادر بیشترین شایستگی را در پرورش و حفظ فرزند دارد بار سنگینی بر دوش زنان خواهد گذاشت. این امر با بالا رفتن تعداد افراد تحت تکفل زن، حادث می‌شود؛ لذا هر اقدامی در خصوص مسائل اقتصادی مانند شغل، درآمد و... زنان سرپرست خانوار صورت گیرد در میزان توانمندی آنها تأثیر خواهد گذاشت و باعث می‌شود زنان سرپرست بیشتر احساس امنیت کنند. در واقع با آموختن حرفه به این زنان یا یافتن کار مناسب برای آنها یا فرزندانشان و مشارکت دائم آنها در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی بخشی از امنیت زنان سرپرست خانوار تأمین می‌شود.

یافته‌های حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه‌ی میانگین احساس امنیت اجتماعی در ابعاد مختلف آن بر حسب علت سرپرستی نشان داد، زنانی که به علت از کار افتادگی همسر سرپرست خانوار خود هستند در بیشتر ابعاد احساس امنیت بیشتری نسبت به سایر زنان دیگر داشته‌اند. در تحقیقات و تجربیات گذشته، مشخص شده که زن و شوهر می‌توانند منبع

بزرگ حمایتی برای یکدیگر باشند و در حل مشکلات به هم کمک کنند و حتی اگر قادر نباشند که مشکل یکدیگر را حل کنند، یک منبع آرامش برای هم هستند؛ لذا به نظر می‌رسد این گروه از زنان حمایت‌های عاطفی همسران خود را دارند و از نظر اجتماعی نسبت به سایر زنان مطلقه و بیوه بیشتر احساس امنیت می‌کنند.

به منظور بررسی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل در احساس امنیت اجتماعی، متغیرهای مستقل سن، تعداد سال‌های تحصیل، حمایت اجتماعی، وضعیت شغلی، مدت سرپرستی، تعداد فرزندان، نگرش زنان نسبت به پوشش، محل سکونت، میزان درآمد، و اعتماد بین فردی به معادله‌ی رگرسیون خطی وارد شدند که فقط سه متغیر سواد، درآمد و حمایت اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری با متغیر وابسته نشان دادند. با پذیرش نقش این سه متغیر در توانمندی زنان سرپرست خانوار، به دست می‌آید که توانمندسازی زنان، سبب بالا رفتن اعتماد به نفس، کسب یک هویت مستقل، بهبود وضعیت اجتماعی آنها و در نهایت احساس امنیت بیشتر در ایشان می‌شود که کل جامعه از آن منتفع خواهد شد. متغیر حمایت اجتماعی قوی‌ترین رابطه را با احساس امنیت دارد. این نتیجه همسو با مطالعه‌ی ویور در ایالات متحده است. زنان و دخترانی که از کمک‌های مادی و عاطفی خانواده در مواقع ضروری در زندگی بهره‌مند بودند، احساس امنیت بیشتری داشتند. در سطح فراتر از خانواده هم، پاسخ‌گویی که معتقد بودند در زمان وقوع مشکلی (مانند اینکه در خیابان افراد ولگرد برای آنها مزاحمت ایجاد کنند) کمک و یاری‌آشنایای، همسایه‌ها و حتی سایر مردم را دریافت می‌کنند، احساس امنیت بیشتری داشتند.

اگر چه مهم‌ترین مسئله‌ی زنان سرپرست خانوار مسئله‌ی اقتصادی است، اما فقر این زنان ابعاد چندگانه‌ی اجتماعی، روانی و فرهنگی دارد. فقر زنان به ویژه دسترسی نداشتن به منابع و نیز بی‌سوادی و کم‌سوادی و در نتیجه پایین بودن سطح آگاهی‌های بیشتر زنان سرپرست خانوار نسبت به مشارکت اجتماعی، زمینه‌ی توانمندی اجتماعی آنها را فراهم نکرده است. افزایش منابع قدرت و موقعیت اجتماعی زنان تأثیر بسزایی در امنیت آنها دارد. تسهیلات، توان مالی، همچنین وضع قوانین حقوقی و اجتماعی برابر میان زن و مرد موجب امنیت بخشی بیشتر به زنان می‌شود. در واقع شاید بتوان گفت که تئوری امنیت اجتماعی با الگو گرفتن از مکتب کپنهاگ و استفاده از نظریات باری بوزان و ال ویور در سطح تجربی تأیید شد؛ چرا که امنیت در گرو توان و قدرت واحد اجتماعی تعریف شده است.

منابع

- ◀ افشار، زین‌العابدین. امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی)، (۱۳۸۵).
- ◀ احمدی، محمد و علیرضا کلدی. «احساس امنیت اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن؛ شهر سنندج»، رفاه اجتماعی، ش ۴۹، (۱۳۹۲).
- ◀ بیات، بهرام ۱۳۸۸. جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران، امیرکبیر.
- ◀ بوزان، باری ۱۳۷۸. مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه‌ی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ◀ جهانگیری، جهانگیر و ابراهیم مساوات. «بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان؛ مورد مطالعه: زنان ۴۰-۱۵ ساله شهر شیراز»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۲، ش ۲، (۱۳۹۲).
- ◀ روی، پل. «درآمدی بر امنیت اجتماعی» ترجمه‌ی منیژه نویدنیا، مطالعات راهبردی، سال ۶، ش ۱۹، (۱۳۸۲).
- ◀ ریاحی، محمد اسماعیل، علی‌اکبر وردی نیا و سیده زینب پور حسین. «بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان»، رفاه اجتماعی، سال ۱۰، ش ۳۹، (۱۳۸۹).
- ◀ ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا. «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران»، رفاه اجتماعی، ش ۲۲، (۱۳۸۵).
- ◀ شادی طلب، ژاله و علیرضا گرایبی نژاد. «فقر زنان سرپرست خانوار»، پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، (۱۳۸۳).
- ◀ شریفی دیاز، مسعود، بررسی اقتدار گرایی و عوامل مؤثر بر آن با تاکید بر احساس امنیت، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی)، (۱۳۸۴).
- ◀ گاچل، رابرت. جی و دیگران ۱۳۷۷. زمینه روان‌شناسی تندرستی، ترجمه‌ی دکتر غلامرضا خوینژاد، تهران، آستان قدس رضوی.
- ◀ گروسی، سعیده، جلال میرزایی و احسان شاهرخی. «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد واحد جیرفت)»، دانش انتظامی، سال ۹، ش ۲، (۱۳۸۶).
- ◀ مسعودی فرید، حبیب‌الله. توانمندسازی ۱۵ هزار زن سرپرست خانوار و خروج آنها از چرخه حمایتی بهزیستی، نشت خبری معاون اجتماعی فرهنگی بهزیستی کل کشور، (۱۳۹۴). موجود در سایت: <http://www.behzisti.ir>
- ◀ معیدفر، سعید و نفیسه حمیدی. «زنان سرپرست خانوار: نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۲، (۱۳۸۶).
- ◀ سیدمیرزایی، محمد، زهرا عبداللهی و خلیل کمربگی. «بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه: زنان شهر ایلام»، مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۲۸، (۱۳۹۰).

- ◀ نبوی، عبدالحسین و علی حسین حسین زاده. «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر احساس امنیت اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، ش ۴۰، (۱۳۸۸).
- ◀ نوری، مهدی ۱۳۸۱. بررسی سلامت روان زنان سرپرست خانوار، تهران، دانشگاه بهزیستی.
- ◀ نویدنیا، منیژه. ۱۳۸۸، امنیت اجتماعی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ◀ _____ . «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، مطالعات راهبردی، سال ۶، ش ۱، (۱۳۸۲).
- ◀ یاری، حامد و جعفر هزارجریبی. «بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان - مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ش ۴، (۱۳۹۱).
- ◀ یحیی‌زاده، حسین و بهزاد خدری. «عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهرستان مریوان»، رفاه اجتماعی، سال ۱۵، ش ۵۶، (۱۳۹۳).
- ▶ Buzan, Barry 2000. *Security studies: Beyond strategy, Dinamarca: Copenhagen Peace*.
- ▶ Research Institute (COPRI).
- ▶ Jackson, Jonathan.» Introducing Fear of Crime to Risk Research». *Risk Analysis*. Vol. 26, No.1 (2006).
- ▶ Kim, Seongjin. «Concept of Societal Security and Migration Issues in Central Asia and Russia», *CAMMIC Working Papers*, No.2, (2008).
- ▶ Megowan, L. “The determinant and consequences of female headedand Household”. *Population conciland the international center for Research women*, (1990).
- ▶ Panik, Branka. “Societal Security - Security and Identity”, *Western Balkans Security Observer*, No. 13, (2009).
- ▶ Saleh, Alam. “Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security”, *Geopolitics Quarterly*, Volume: 6, No 4, (2010).
- ▶ Sarafino, Edward. P 1998, *Health Psychology*, Third Edition, New York, John Wiley & Sons.
- ▶ Stanko, E. “The Case of Fearful Women: Gender, Personal Safety and Fear of Crime”, *Women Criminal Justice*, vol. 4, (1992).
- ▶ Weaver, D. “Social security and social support” *journals of Gerontology*, 61(1) S24-S34, (2010).
- ▶ Zimet, G.D, and et al. “The Multidimensional Scale of Perceived Social Support”, *Journal of Personality Assessment*, 52, (1998).